



نوروز نزدیک است ای زن

سیمین بهبهانی

تصویرها شد تیره در من
آینه‌ام زنگار بسته
دل برده‌یی از نیل و حسرت
بر صحنه‌ی دیدار بسته
میخانه‌ی متروکِ بی‌نور
از باده‌نوشان مانده بس دور
بر آن دو در با شیشه‌ی پاک
هر عنکبوتی تار بسته
ای دل! چرا چندین خموشم
کو آن لبِ شادی فروشم
اشک سبک‌جوشم ره خواب
بر دیده‌ی بیدار بسته

■

نوروز نزدیک است ای زن!
برخیز و نو کن جامه بر تن

همتای شاخ نسترن شو
کاذین به هر دیوار بسته
فردا که سال دیگر آید
در کار شو تا غم سر آید
بی چند و چون کامش بر آید
آن کس که دل در کار بسته
از غم و هستی بهره برگیر
کز این کمان گر بگذرد تیر
برگشتنش را نیست تقدیر
کاینجا ره تکرار بسته

■

یارانِ یکدل کم نبودند
رفتند و ره را آزمودند
سیمین پی ایشان گرفته
وین آزمون را بار بسته....

اسفند ۸۳

پی‌نوشت

— این شعر پیش‌تر در ماه‌نامه‌ی *تقدیر*، سال دوم، شماره‌ی ۱۱، ویژه‌ی نوروز ۱۳۸۵ چاپ شده‌است.